

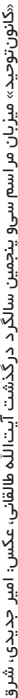


● Fazis ●

سال دوازدهم • شماره ۲۱۱۲ • ۱۶ صفحه • ۱۰۰۰ تومان

صفحه ۱۵ ●

● صفحه ۶



مظفرالدین شاه با آنکه بیماری، توانش را گرفته بود، به دیدار آنچه میزان فرنگیش از صنعت اخوان لومیر گرفته بود، رفت و شگفته‌شده باقی‌مانده شگفته‌شده کرد. برود. اما هنوز اندر نشست که حالا گویند همان تصاویر بزی است که باشد بزی که می‌پرد و از درخت، می‌مورخان هم آن را به کامل‌شده نسبت می‌دهند. این‌ها اما، آن فلیم‌الدین شاه در سالن تارک بربار زنده مقابل چشمانش ظاهر، تارک، عکس‌های ثابت و ماتی که گرافی، روی شیشه‌ها چاپ می‌شد و بابا، بود، زنده می‌شد و به سمت او ساید در تارکی سالن سولی پاریس به مست می‌آمد بدلبش پاره شتابی گفته بود: «اما این‌ها این‌ها خراب است، به این اجنبی‌ها بگو» تصویر حیران و خیره، «رژ» که در تارکی سالن سولی پاریس، «سینه نمی‌داند چرا» ۱۲۷۹ شمسی به تهران در مگرک امضا شد؛ اما این‌گونه بود که بعد از آنکه بردارن لومیر نخستین حرکت را سازند، دوربین فیلمبرداری و جعبه چوبی دوش باز شد. این اولین آفرینی بود که تصویرهای آن کرد، حتی قبل از آنکه در ۱۴ مرداد ۱۳۱۴ سال است که آن دستگاه را آمده هر چه می‌شد نمی‌داند: اما اینستیمای ایران برای خودش، سیمینای ایران، به گذر از دوران زندد فیلمفارس، شخصیتی مستقل است که رویای مظفرالدین‌شاه در بلندترین قلهای سیمینای جهان و با وجود همه مشکلات و فشارهایی توانسته به همت سیمیناگران ایرانی، زندهای آینده امیدوار باشد.

۸۸۱۴۲۳۰-۳۲

ለሰነድ ቁጥር:- ፳፭